نگاه

سخنرانی دکتر مسعود غفاری در پژوهشگاه علوم انسانی در جهاد دانشگاهی

نگاه تمدنی به انرژی

» فروزان آصف نخعی
foruzanasefnakhaei@hotmail.com

چهارمین پیش همایش همایش ۱۰۰ سالگی نفت ایران در پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی برگزار شد. این پیش همایش به مسائل نفت جنوب پرداخت اما دکتر غفاری به عنوان دبیر همایش موضوع تازه ای را مطرح کرد. اوج تولید نفت، امروزه باعث شده خارج از قواعد عرضه و تقاضای بازار قیمت ها افزایش یابد. با ورود حدود دو میلیارد جمعیت به حوزه مصرف انرژی مدرن یعنی جمعیت چین و هند، موضوع انرژی های جایگزین به بحث روز تبدیل شده است اما برخی از دانشمندان به چشم انداز بلندمدت مصرف انرژی در سیاره زمین، انرژی خورشیدی و انرژی کهکشانی نظر دارند. بخش کوچکی از نظریه های مربوط به این بخش توسط دکتر مسعود غفاری مطرح شده که در زیر از نظرتان می گذرد.

■

درخصوص اهمیت و نقش نفت در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران صحبت های زیادی شده و خواهد شد ولی به نظر می آید در تحولات علمی جهان نگاه های دیگری به انرژی از جمله نفت به طور کلی منابع مختلفی که انرژی را تلقی می شود، وجود دارد. مهم ترین این نگاه، نگاه تمدنی به انرژی است. تاکنون به نفت در نگاه ما به عنوان ماده ای که می تواند ماشین های مختلف و اجزای آنها را به حرکت بیندازد توجه شده است ولی بشریت در آستانه انقلاب های علمی گوناگونی قرار گرفته است. بنا بر ارزیابی های علمی، دانش بشری هر ۱۰ سال به دو برابر افزایش می یابد. در مدت ۱۰ سال گذشته این دانش بیش از همه تاریخ گذشته دارای ابداع و اختراع بوده است. بررسی ها نشان می دهد قدرت نیروی رایانه در جهان در هر ۱۸ ماه دو برابر می شود. همچنین گستره استفاده از اینترنت در هر سال دو برابر می شود. مجموعه تحولات علمی، بشریت را در پایان قرن ۲۰ وارد مجموعه ای از سه انقلاب کرده که حیات آینده بشریت بر مبنای آنها ساخته خواهد شد. این سه انقلاب شامل ۱- انقلاب کوانتومی ۲- انقلاب فناوری زیستی و ۳- انقلاب رایانه ای است. این سه انقلاب ستون های اصلی دانش جدید بشریت خواهند بود. تحولات علمی در دهه های آینده در این سه حوزه سیاره ما را به یک سیاره هوشمند تبدیل خواهد کرد اما نکته مهم آن است که دانشمندان سیاره هوشمند را براساس مصرف انرژی تمدن ها در آینده تئوریزه کرده و آنان را در سه گروه یا سه تیپ طبقه بندی کرده اند. این سه گروه به سه گروه تمدنی نوع اول، تمدن نوع دوم و تمدن نوع سوم تقسیم شده اند البته این بحث مربوط به چند سده آینده است. در دو سده آینده نوع اول تمدن ایجاد خواهد شد. انرژی زمینه تمامی تحولات تکنولوژیک و علمی تمدنی قرن ۲۰ و ۲۱ بوده و خواهد بود. براساس نظریه ها در زمینه افزایش مصرف انرژی، می توان استنباط کرد که در قرون آینده منابع انرژی بالاخره زمانی به پایان می رسد لذا جوامع مجبورند به سطح دیگری از سطوح انرژی روی بیاورند. در تقسیم بندی تمدن ها تمدن نوع اول تمدنی است که بر همه اشکال انرژی زمینی خود تسلط یافته باشد، این نوع تمدن می تواند آب وهوا را براساس آموزه های زیست محیطی تعدیل یا اصلاح کند. از منابع و معادن در اقیانوس ها بهره مند شده و از مرکز سیاره خود به استخراج انرژی مبادرت ورزد. استفاده و اداره منابع در چنین مقیاس غول آسایی نیازمند درجه عظیمی از همکاری میان افراد با تعبیه وسیله سیاره ای است. به عبارتی در دوره تمدن اول به قدری تعامل ها و همکاری ها باید جدی باشد که بتوانند ضمن تسلط بر همه انرژی های سیاره خود و مصرف آنها برتمام چالش های بشری نیز فائق بیاید. در تمدن نوع دوم گفته شده که بشر بر انرژی سیاره ای یا خورشیدی تسلط خواهد یافت و نیازمندی های خود به انرژی را از طریق منابع خورشیدی برطرف خواهد کرد. تمدن نوع دوم که تمدن خورشیدی است از امکان و استعداد مستعمره کردن سیستم های سیاره ای نزدیک دارا خواهد بود. تمدن نوع اول تمام انرژی های سیاره زمین با مجموعه اطراف خود را مصرف خواهد کرد. در تمدن نوع دوم، بشر انرژی خورشید را به تصرف و تسلط درخواهد آورد و در تمدن نوع سوم در حقیقت وقتی انرژی خورشیدی به پایان رسید، بشر وارد سیستم ها و خوشه های ستاره ای در کهکشان خواهد شد که به آن تمدن کهکشانی نیز می گویند. این تمدن انرژی مورد نیاز خود را از طریق استفاده از مجموعه های ستاره ای داخل کهکشان خواهد گرفت. هر تمدن پیشرفته ای در فضا عاقبت سه منبع انرژی در اختیار خواهد داشت:

۱- انرژی سیاره زمین
۲- انرژی خورشیدی
۳- انرژی کهکشانی و گزینه دیگری وجود نخواهد داشت.

از نظر زمانی برای رسیدن به وضعیت تمدن نوع اول، دو قرن زمان لازم است. در وضعیت تمدن نوع دوم بشر نیازمند حدود ۸۰۰ سال است و درخصوص تمدن نوع سوم چیزی حدود ۱۰۰۰۰ سال یا حتی بیشتر وقت لازم است. به هر حال بحث انرژی بسیار وسیع تر از مباحثی است که در ایران به دنبال آن هستیم. در حال طی مراحل اولیه بحث انرژی هستیم. در ایران در این زمینه کارهای جدی انجام نشده است. ایران در شرایط اجرای پروژه های اولیه درباره نفت جنوب است. ما که پروژه مذکور را انجام می دهیم هنوز وارد جزئیات آن نشده ایم.

شاید این طرح جا داشته باشد که چندین سال دیگر روی آن کار بشود تا بتوانیم به جزئیات تحولات نفت جنوب و تاثیرش در مسائل ایران برسیم. ادبیات ما در این زمینه بسیار فقیر است.

حدود ۱۰۰ سال از تاریخ اکتشاف و استخراج نفت در ایران می گذرد. حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ کتاب درخصوص نفت وجود دارد که مهم ترین آنها آثاری است که دیگران خارج از ایران منتشر کرده اند. بنابراین جدا از نگاه هایی که مصرف انرژی را در سده های آینده مورد بررسی قرار می دهد باید به مباحث فوری تر، آنی تر و میان مدت نفت و مسائل نفتی ایران بپردازیم.

با این همه باید توجه داشته باشیم که این نگاه تمدنی است که قرن ۲۰ را رقم زده و قرن ۲۱ را در حال رقم زدن است زیرا انرژی تمدن ساز است. از این رو بحث مصرف انرژی به قدری جدی است که دانشمندان دنیا در حال تئوریزه کردن چگونگی مصرف انرژی در تمدن های آینده هستند.

البته برخی ممکن است بگویند شما دارید این بحث را بیش از اندازه پررنگ می کنید و خیلی هم این خبرها نیست اما به نظر من بحث انرژی خیلی مهم تر از بسیاری مسائل دیگر است و پایه تحولات علمی و تمدنی آینده بشری است ولی درخصوص ایران بحث انرژی فقط با بعضی از مولفه ها مثل امنیت ملی، توسعه و مسائل نظامی پیوند دارد ولی نگاه تمدنی به انرژی، بحث ارتقای جایگاه معرفتی بینش و علمی جامعه را نیز به دنبال دارد.

به عبارتی در بحث انرژی نباید تنها به دنبال آن باشیم که چند بشکه در روز یا در ماه یا در سال مصرف می کنیم. این نگاهی خیلی اولیه به مسائل است.

اگر بخواهیم نگاه عمیق تری بکنیم قطعاً به یک نگاه تمدن ساز به بحث انرژی نیازمندیم. دنیا در حال برنامه ریزی برای استفاده از نه تنها انرژی سیاره زمین بلکه خورشید و حتی کهکشان هاست. اگر کمی دقت کنیم زده شده است. بعضی از جرقه های این نکاتی که عرض کردم هر چند اینها مباحث مربوط به چند صد سال آینده خواهد بود ولی تلاش های علمی که در حال انجام است به نظر من گوشه هایی از تلاش بشر را درباره انرژی و مسائل آینده آن نشان می دهد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی در پیش همایش نفت و تحولات مناطق نفت خیز جنوب ایران:

ضرورت تعادل فناوری و علوم انسانی

متاسفانه در کشور ما از ابتدا نگاه صرف سخت افزارانه مشکل چندانی از مسائل را برطرف نکرد. حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی با اعلام مطلب بالا در پیش همایش نفت و تحولات مناطق نفت خیز جنوب ایران گفت: عدم حل مشکلات بر اساس موضع سخت افزارانه به دلیل فقدان نقش تعیین کننده و راهبردی علوم انسانی و اجتماعی در حوزه های کلان سخت افزاری از جمله عرصه نفت روی داده است. قبادی در بخش دیگری از صحبت های خود با اشاره به اینکه فناوری همواره درصدد اثبات خود است لذا خیلی زود به هم افزایی و رشد و توسعه می رسد ولی در علوم انسانی این گونه نیست، افزود: در علوم انسانی تحقیق نظریه پرداز بر اساس شک شکل می گیرد از این رو همیشه به دنبال اثبات نیست. وی در ادامه با اشاره به اینکه اگر دنیا یک مقدار نگاه انسانی به پیشرفت فناوری می داشت شاید این هم افزایی های فوق العاده ای که در اثر رشد فناوری در دنیا پیش آمد، بعضاً و شاید در کثیری موارد به ضرر بشریت تمام نمی شد، افزود: یکی از فرضیه ها این است که جنگ جهانی اول و دوم، خواهی نخواهی حاصل انباشت قدرت فناوری و در نتیجه تبدیل آن به ابزار قدرت و از سوی دیگر تولید ثروت است. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات جهاد دانشگاهی با اعلام اینکه در این دوره از ترکیب قدرت اقتصادی و قدرت فناوری برخی بی توازنی در جهان رقم خورد و بخش عمده ای از جنگ های دنیا به ظهور رسید، گفت: اگر بنای دنیا از ابتدا بر این بود توازنی میان رشد فناوری، رشد فرهنگی و رشد علوم انسانی برقرار کند و در این مسیر فناوری از علوم انسانی تبعیت می کرد، بسیاری از مشکلات در دنیا و کشور ما قابل حل بود. وی افزود: بر این اساس نفت می تواند بزرگ ترین فرصت یا بزرگ ترین تهدید برای ما باشد و با این رویکرد علوم انسانی می تواند در جهت تامین منافع ملی در تمامی حوزه ها عمل کند. قبادی در ادامه با اشاره به اینکه رسالت اصلی علوم انسانی مساله یابی و روشن کردن راه در این باره است، گفت: در حوزه مسائل فرهنگی نفت زحمات بسیاری کشیده شده و ما از اینکه مسائل این حوزه را تدوین کنیم وحشت داشتیم از این رو با تبدیل وحشت به مساله، به کشف راه حل ها نائل شویم و از این طریق دستاوردهای کنونی را برای نسل های آینده ماندگار کنیم.

نفت، سیاست خارجی وتوسعه درگفت وگو با دکتر عباس ملکی استاد دانشگاه

تصمیم های گرفته نشده

در بخش نخست این گفت و گو بحث فرصت استثنایی ایران برای استفاده از حاشیه سود که فاصله میان قیمت نفت و قیمت کالاهای دیگر در جهان است و می تواند ایران را به توسعه جهشی رهنمون کند از نظرتان گذشت. در بخش آخر این گفت و گو موانع توسعه جهشی در داخل از نظرتان می گذرد.

■

سرمایه گذاری خارجی در اینجا چه جایگاهی دارد؟

به نظرمن سرمایه گذاری خارجی آخرین مرحله سرمایه گذاری است. به عبارت دیگر هرکسی که بخواهد درایران سرمایه گذاری کند ابتدا به این موضوع فکر می کند که آیا ایرانی ها خود اقدام به سرمایه گذاری در ایرانی که به آن علاقه نیز دارند، کرده اند. مرحله دوم ایرانی هایی که در خارج هستند آیا حاضرند درایران سرمایه گذاری کنند و درمرحله سوم سرمایه گذاری خارجی مطرح می شود. بعد ازاین مرحله این موضوع مطرح می شود که سرمایه گذاری خارجی نیاز به بانک ونظام بانکداری و مقررات خودش دارد. خوشبختانه مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون جذب وحمایت وتشویق سرمایه گذاری خارجی را تدوین کرده اما فضا به گونه ای پیش رفت که آن چند بانکی هم که به ایران آمده بودند از ایران رفتند و سرمایه گذاری هم کاهش یافت.

این موضوع درحوزه مالی بود ولی ما برای جذب سرمایه گذاری خارجی نیازمند سیاست خارجی فعال و به قول شما با نگاه باز هستیم؟

من معتقدم که برای همه روشن است ایران دریک موقعیت جهندگی است. به عبارت دیگر به نظر من ایران درحال توسعه نیست که در فردا روزی رشد آن یک درصد اضافه شود. ایران درشرایطی به سرمی برد که به زعم برخی تحلیلگران جهانی درحال جهندگی است. از این رو دیر یا زود ناگهان این کشور از لحاظ قدرت معطوف به نیروی انسانی، منابع زیرزمینی، قدرت ملی اعم از دفاعی، اجتماعی وسیاسی به سطحی درمنطقه خواهد رسید که کشورهای دیگر بسیار از آن پایین ترخواهند بود. این به معنای آن نیست که دولت ایران عملکردش بدون نقص است. دربهترین شکل اش می توانم بگویم که این دترمینیسم منطقه است که چنین شرایطی را پیش روی ایران قرارداده است.

آیا این دترمینیسم درتاریخ ایران سابقه دارد؟

ایران درچند مرحله در طول حیات خودش به این مرحله رسیده است و درحال حاضر منحنی تحولات ایران به سمتی است که دارد به یک قدرت منطقه ای تبدیل می شود.

برای برون رفت از مشکلات کنونی این قدرت بزرگ چه راه حلی متصور هستید؟

این قدرت بزرگ دارای دو راه حل است.

۱- یک راه حل این است که ایران از الان دردشمنی وعداوت با نیروهای دیگر اصرار کند واین حرکت را سرلوحه کار خودش قرار بدهد. این مسیر غرب را تحریک می کند تا طرح های خاصی را برای جلوگیری از اجرای چنین طرحی توسط ایران به اجرا بگذارد. ۲- راه حل دوم این است که ایران به این موضوع بیندیشد برای آن راه بزرگی که برای آینده دارد شاید بتواند از شعارهای کنونی اش بکاهد وتا اندازه ای آرام تر به حرکت خود ادامه بدهد تا بتواند به اهدافش برسد، مانند چین که ازلحاظ حاکمیت حزب کمونیست وایدئولوژی مارکسیست – لنینیستی و مائوئیستی عقب نشینی نکرده است. تنها کاری که چین کرده این است که برای یک دوره تاریخی به این نتیجه رسیده که کمتر باید روی شعارهای انقلابی خود تکیه کند و برای پیشرفت باید به سیاست های درهای باز متوسل شود. سیاست های درهای باز را برخی از رهبران چین متوجه نشدند، چیست. از این رو بیوه مائو اعلام کرد از آنجا که سیاست های درهای باز انحراف از انقلاب است لذا جلوی آن ایستاد، دنگ شیائو پینگ به زندان افتاد اما بعد ازمدتی مسوولان چینی متوجه شدند راهی جز این ندارند. بنابراین چین درست است که هنوز ایدئولوژی خود را حفظ کرده اما تاحدی دررابطه اش با جهان سوم جلو می رود که حساسیت های آمریکا را برنینگیزد. چون حساسیت آمریکا به معنای به خطر افتادن قرارداد کامله الوداد چین با آمریکا است. این قرارداد به چین اجازه می دهد که به همه بازارهای آمریکا دست پیدا کند. درآمریکا کمتر کالایی یافت می شود که چینی نباشد. تقریباً ۹۰ تا ۹۵ درصد کالاهای موجود درآمریکا، چینی هستند. حتی برخی کالاهای پیشرفته را آمریکایی ها طراحی وچینی ها می سازند. آیا ما می توانیم طی دوره ای ۱۰ ساله درست درشرایطی که قیمت های نفت بالا است بدون دست کشیدن از ارزش های انقلاب اسلامی، سیاست تنش زدایی و کنترل تنش با کشورهای دیگر را دردستور کار قرار بدهیم و به مدت ۱۰ سال روی توسعه کشور کار کنیم وبعد ازآن ببینیم به چه نتیجه ای رسیده ایم؟ آن چیزی که اکنون تنها مخالفت اسرائیل با ایران به نظر می رسد عمیق تر از این مسائل است. آمریکا همه کشورهای منطقه را به تدریج دارد علیه ما بسیج می کند. رفتارهای کشورهایی چون اردن، مصر، عربستان سعودی و . . . به گونه ای است که اگر نتوانند ایران را از میان بردارند که نمی توانند به چنین کاری اقدام کنند ولی قادر است درمسیر توسعه ایران سنگ اندازی وما را در این مسیر دچار مشکل کنند.

آقای دکتر ما در اینجا بحث توسعه، نفت وسیاست خارجی را به طور موازی پیش برده ایم وتااندازه ای همبستگی آنان را در ارتباط با یکدیگر در فرمایشات شما مشاهده کردم. اگر بخواهم از بحث شما نتیجه بگیرم به نظرم می رسد که شما معتقدید ما باید در حوزه سیاست خارجی از سیاست ستیز وارد سیاست رقابت بشویم وقاعده بازی را دراین میان بپذیریم. براین اساس درنظربه شما هم توطئه های آمریکا ختثی خواهد شد و هم اینکه سیاست خارجی ما قادر خواهد بود در پرتو سیاست رقابتی که مبتنی برتنش زدایی است، پتانسیل بالقوه را با جذب سرمایه گذاری درحوزه های نفت، تولید و . . . تامین کند. به ویژه از این نظر که قیمت نفت در شرایط جهانی به گونه ای است که هنوز قیمت ها درحوزه های دیگر کالایی به آن نرسیده اند و ایران می تواند از میان این فاصله قیمتی حاشیه سود مناسب را به دست آورده و به سرمایه گذاری های اساسی دست بزند وبه نحوی نیز دترمینیسم تاریخی ایران که سمت و سوی توسعه جهشی دارد نیز طی شود. اما به نظر می رسد که نظریه راهبردی شما اقتضائات ویژه ای می طلبد. مثلاً اگر چنین سیاستی اتخاذ شود آن بخش از جهانی که جنبش های آزادی بخش وطرفداران ایران نام دارند و کسانی که دنباله های این نیروها درداخل هستند و با این شعارها فکر می کنند اسرائیل باید نابود شود و . . . فکر نمی کنید تضاد عمیق تری درداخل به وجود می آید که بعید به نظر می رسد بتوان آن را مدیریت کرد؟

این موضوع از آن دست از موضوعاتی است که ایران به طور جدی باید درباره آن تصمیم بگیرد. به نظر من جنبش های آزادیبخش انتظارشان از ایران آن بود که شیوه های پیروزی را بیاموزند سپس راه خود را برای رسیدن به مقصد دنبال کنند. این مدل هم صادراتش از طریق فعالیت های خشن نیست بلکه صادراتش از طریق کتاب، مقاله و نظریات است که به نظر من این کار انجام شده از این رو مدل انقلاب ایران یک مدل شناخته شده است. این مدل درخیلی از جاهای دیگر به کار گرفته شده است مثلاً درلبنان حزب الله این مدل را درک کرده است. به نظر می رسد که آنان بیشتر از این از ما انتظار ندارند. حتی اگر دقت کنیم آن ها درسیاست های اقتضایی خودشان، درجاهایی مثلاً به این نتیجه می رسند که با دشمن خودشان مذاکره کنند. مثلاً حماس واسرائیل درقاهره با یکدیگر مذاکره می کنند. یا رفتار حزب الله یک رفتار مبتنی برمجموعه ای از مذاکره و اعمال قدرت است تا بالاخره مشکل انتخاب رئیس جمهوری لبنان حل شد بنا براین آنان باید به شرایط مکانی وزمانی خود نگاه کنند. اینکه هرگروه وملتی از این انقلاب ایران تا چه اندازه بخواهد استفاده کند دیگر به خودش مربوط است ولی ایران یک کشور است و یک کشور در چارچوب و مطابق با قواعد و ضوابط حقوق وروابط بین الملل رفتار می کند. من اگر بخواهم مصر بروم و درآن جا درباره انقلاب اسلامی صحبت کنم درمقدمه این موضوع وجود دارد که من از سفارت مصر باید ویزا بگیرم وبرای این موضوع روابط بین کشورها را باید محترم بشمارم. به نظر من ایران تاکنون این راه را رفته است و باید این راه را ادامه بدهد و در چارچوب روابط بین الملل، روابط خودش را با بقیه تعریف کند. این عین جمله امام خمینی (ره) است که ما خواهان روابط هرچه بیشتر با کشورهای دیگر هستیم. اتفاقاً ایشان می گفتند این یک شیطنت است که برخی می خواهند ایران با کشورهای دیگر رابطه نداشته باشد. به طور موازی باید حساسیت ها را نسبت به ایران نیز کاهش بدهیم. مثلاً در روابط با روسیه تا حد زیادی این کشور به ما اعتماد دارد ولی به کشور ترکیه تا این مقدار اعتماد ندارد. این به آن معنا نیست که ایران درمقابل روسیه کوتاه آمده است. بلکه دلیل اش این است که ایران دربرابر تحولاتی که درآسیای مرکزی، قفقاز وجمهوری های مسلمان نشین داخل روسیه وجود داشته و دارد به درستی عمل کرده و این موضوع می تواند با کشورهای دیگر نیز اتفاق بیفتد.

عرضه نفت: کارزارهای نو، چاره جویی های دیرینه–بخش دوم

نیازهای سر سام آور

» نیکلاس سرکیس
ترجمه: منوچهر مرزبانیان

چگونه و به چه قیمتی می توان پاسخگوی این افزایش سرسام آور نیازها شد؟ پاسخ به این پرسش به دو متغیر وابسته به یکدیگر بستگی دارد؛ از یکسو قابل اعتماد بودن ارقامی است که درباره حجم ذخایر دهان به دهان می گردد و از سوی دیگر توسعه ممکن ظرفیت تولیدی.

هر چند بدگمانی درباره حجم واقعی ذخایر موجود تازگی ندارد اما همین اواخر با تجدیدنظر برخی شرکت های نفتی در برآورد مقدار ذخایر که از برآوردهای پیشین کاستی گرفته و نیز در پی تخمین های تازه ای که زمین شناسان مستقل پیش کشیده اند، این تردیدها قوی تر شده است.

به طور اخص تردید در برآوردهای رسمی کشورهای عضو اوپک از همان سال های دهه ۱۹۸۰ هنگامی برانگیخته شد که به ویژه کشورهای خلیج [فارس] یکی بعد از دیگری به ارزیابی های چشمگیری از ذخایر خود دست یازیدند، بدون آنکه هرگز کشف منبع تازه، افزایش قیمت یا بررسی جدیدی دلیل موجهی بر چنین ارزیابی دوباره باشد. از سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۶ امارات متحده عربی برآورد رسمی ذخایر خود را از ۳۳/۹ به ۹۷/۲ بیلیون بشکه بالا برد. عربستان سعودی هم به سهم خود میان سال های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ به برآورد ذخایرش به میزان ۵۰ درصد افزود و از ۱۶۹/۶ به ۲۵۴/۹ میلیارد بشکه رساند[۴]، در همان حال عراق به دوبرابر کردن تخمین ذخایر خود از ۲۳ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۱ به ۶۵ میلیارد از ابتدای سال ۱۹۸۳ دست زد (و سپس از سال ۲۰۰۱ این رقم را تا سطح ۱۱۵ میلیارد بشکه بالا برد). تورم ارقام زمانی پیش آمد که کشورهای عضو اوپک در پی برقراری نظام سقف تولیدات و سهمیه های ملی برآمدند که اساساً به تبع میزان ذخایر محرز شده در هر کشور تثبیت می شد. بدینگونه میان سال های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۸ برآورد مجموع ذخایر محرز شده کشورهای عضو اوپک ۶۲ درصد افزایش یافت و از ۴۷۰ میلیارد جهشی به ۷۶۱/۴ میلیارد بشکه کرد. همین کشورها به دنبال ارزیابی های دوباره دیگری که به دنبال آمد مقدار ذخایر خود را تا ۸۹۶/۶ میلیارد بشکه در اول ژانویه ۲۰۰۵ هم رساندند. به یقین برخی از این بازبینی ها در ارقام را باید برآیند کاوش های تازه یا پیشرفت های فنی دانست که بر نرخ های بازیابی ذخایر موجود اثر گذاشته اند. برخی دیگر را بیشتر از آن رو که تقریباً کل ذخایر را شرکت های وابسته به دولت در مهار خود دارند و از هرگونه بررسی اثباتی دستگاه های خارجی سرباز می زنند، باید محتاطانه تلقی کرد. برآوردهای رسمی ذخایر موسوم به «محرز شده» اوپک حدود ۴۰۰ میلیارد بشکه بیش از رقمی است که دستگاه های مستقل خصوصی و مشخصاً انجمن مطالعه اوج تولید نفت ارائه داده اند. حجم های اضافی که برخی کارشناسان آن را چون «بشکه های خیالی» توصیف کرده اند، برابر است با ۴۴ درصد مجموع برآوردهای رسمی اوپک. البته نباید پنداشت که ارقامی که سازمان های مستقل به دست داده اند همگی از ارقامی که خود کشورها ارائه کرده اند به واقعیت نزدیک تر است. با این همه اختلاف فاحشی که میان برآوردها وجود دارد می تواند هم درک پیچیدگی ضوابط فنی و اقتصادی به کار برده شده و هم سنجش شک و تردیدهایی که در موضوع داده های در دسترس وجود دارد را میسر سازند.

از سویی هم این واقعیت بر شک و تردیدها دامن زده که ارقامی که برخی از کشورهای اوپک منتشر ساخته اند گاه در طول زمان بسیار درازی تغییر نایافته باقی مانده است، انگار کشف تازه یا ارزیابی دوباره ای جای هر بشکه تولید شده را بی درنگ و به طور معجزه آسایی پر کرده باشد. بدین سان و به عنوان نمونه کشور عراق پیش از آنکه برآورد ذخایر خود را به ۱۱۵ میلیارد بشکه بالا ببرد، زمان درازی میان سال های ۱۹۹۵ – ۱۹۸۷ آن را در سطح رقم سرراست ۱۰۰ میلیارد بشکه نگه داشته بود. نمونه کویت موجب شگفتی کمتری نیست که میان سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۲ با وجود تولید انباشته ای که از مرز ۸/۴ میلیارد بشکه در طول همین سال ها فراتر می رفت، برآورد ۵/۹۶ میلیارد بشکه ای ذخایر محرز شده خود را تغییر نداد. با تکیه بر داده هایی که مسوولان کویتی منتشر ساخته اند، هفته نامه آمریکایی آگاهی های نفتی در ژانویه ۲۰۰۶ تایید کرد که در آمارهای رسمی، ذخایر محرز شده، محتمل و ممکن را با یکدیگر اشتباه گرفته اند: حجم ذخایر محرز شده به معنی واقعی کلمه از ۴۸ میلیارد بشکه فراتر نمی رود. از سوی دیگر به دلیل پرده پوشی که به یکسان ارائه آمارها و روش تخمین زدن ها در فدراسیون روسیه را در سایه ابهام فرو برده، حجم ذخایر محرز شده این کشور همچنان نامعلوم مانده است. به موجب برخی منابع غربی حجم واقعی ذخایر ۳۰ تا ۴۰ درصد پایین تر از رقم رسمی ۷۲/۳ میلیارد بشکه است. سرانجام تردیدهای بسیاری نیز درباره شرکت های بین المللی وجود دارد که سهام شان در بازارهای بورس اوراق بهادار دست به دست می شود و دارایی های آنها را بازرسان موسسات مستقل حسابرسی بازبینی می کنند. به ویژه پس از قضیه کمپانی شل که به دنبال سقوط کلان استخراج از ذخایر ایبال در سلطان نشین عمان و ناکامی های دیگر در جهان، در ژانویه ۲۰۰۴ ناچار پذیرفت که ذخایر محرز شده اش را نزدیک به یک سوم بیشتر برآورد کرده است. چندماهی بیشتر نگذشت که شرکت آمریکایی ال پسو هم ارزیابی های ذخایر خود را به میزان تقریباً ۱۱ درصد کاهش داد. تازه تر از آن، گروه اسپانیولی رپسول–وای پی اف هم در ژانویه ۲۰۰۶ ناگزیر ۱/۲۵ میلیارد معادل بشکه نفت یعنی ۲۵ درصد از کل ارقام تخمین هایی که تا آن وقت برای ذخایر جهانی هیدروکربور ارائه کرده بود کاست. درست همانند مورد کمپانی شل، که تجدیدنظر در ارقام انبوهی از اعلام جرم سهامداران را در در دادگاه ها بر سر این شرکت ریخت.

پیش بینی هایی که واقع بینانه نیست

عامل نگرانی دیگر در این واقعیت نهفته است که ۲۰ سالی می گذرد که حجم نفتی که از زیر زمین استخراج شده است از مقدار اکتشاف شده بیشتر است. برخی شرکت های بین المللی که برای حفظ سطح پیشین تولید خود با دشواری روبه رویند، هرگاه که بتوانند به خرید دارایی های شرکت های دیگر دست می یازند. تازه ترین نمونه آن کمپانی شورون تکزاکو است که در سال ۲۰۰۵ برای به چنگ آوردن شرکت آمریکایی مستقل یونوکال که بنگاه دولتی شرکت ملی نفت فلات قاره چین هم گوشه چشمی به آن داشت بهای گزافی پرداخت. بدون تملک سهام این شرکت، نرخ جایگزینی ذخایر شورون تکزاکو هرگز نمی توانست در سال ۲۰۰۵ از ۴۰ درصد به ۴۵ درصد برسد. به موازات کندی آهنگ اکتشافات و کاهش آرام اما ناگزیر ضریب حجم ذخایر به نسبت تولیدات و نیز افت تولید بسیاری از کشورها و همچنین ناکافی بودن سرمایه گذاری هایی که برای گسترش ظرفیت لازم برای برآوردن نیازها انجام یافته است، سایه خطر بی درنگ تری بر بازار نفت سنگینی می کند.

پی نوشت ها:

۴- نگاه کنید به مایکل ت کلیر، «محدودیت های توان نفتی عربستان سعودی». لوموند دیپلماتیک، مارس ۲۰۰۶

تصحیح و پوزش

با پوزش نام نویسنده گزارش «ایران می تواند قدرت اقتصادی منطقه شود اگر . . . » در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۸۷ صفحه ۱۱ «روح الله ابراهیم نژاد» دانشجوی دوره دکترای مدیریت استراتژیک دانشگاه شهید بهشتی صحیح است.